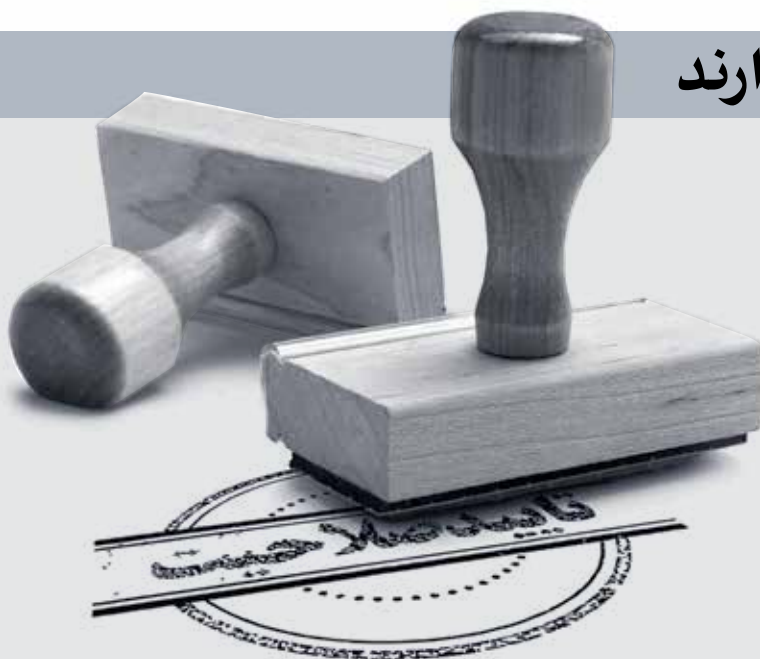


مردم انتظار دارند انتخابات نمایشی؟ نظارت، مخالف حق انتخاب مردم؟! شایعات رایج فضای مجازی (شایعات سیاسی)
جوان هم حق رای دارد نمی توان بی تفاوت بود این مردم خوب... پرسش های کوتاه انتخاباتی

شبهه روز

مردم انتظار دارند



پرده اول

دو نفر با هم توافق کردند که یکی از آن دو، نزد پیامبر برود و زمینی را که از غنائم بود، از ایشان طلب نمایند و اگر پیامبر، آن زمین را به آنان داد، هر دو در آن زمین، شریک باشند؛ یکی از آنان، نزد پیامبر آمد و درخواست را مطرح کرد؛ پیامبر نیز پذیرفت که زمین را به آنان بدهند؛ نفر دوم گفت: حال که پیامبر، زمین را به ما داده است، پس با هم شریک هستیم؛ اما فرد دیگر نخواست به توافق، پایبند باشد و گفت: پس این منازعه را با پیامبر مطرح کنیم. او زیر بار نرفت و گفت: شاید پیامبر به نفع تو رای داد. آیه نازل شد که برخی چنینند که وقتی حکم به نفعشان است، می پذیرند و اگر حکمی به نفع آنان نباشد، از آن، سر باز می زنند.

پرده دوم

حقیقت انتخابات، واگذاری امور مردم به دست فرد یا کسانی است که بتوانند امور مردم را به بهترین وجه، ساماندهی کنند. لذا مردم انتظار دارند:

کسانی که در معرض انتخاب شدن قرار می گیرند، حداقل شرایط و صلاحیت برای واگذاری امور را داشته باشند؛

کسانی که در این جایگاه قرار می گیرند، از موقعیت و جایگاه خود، به نفع خود و جریان وابسته به خود، استفاده نکنند؛

اگر کسی در دوره مسئولیت خود، از این فرصت استفاده نادرست کرده باشد، دیگر به او اجازه حضور در این جایگاه، داده نشود؛

اگر کسی به گونه ای عمل کرد که باعث تضییع و از بین رفتن حق مردم شد، مورد مواخذه و توبیخ قرار گیرد.

حال سوال این است:

آیا هر کسی ادعا کرد می تواند امور مردم را به دست بگیرد، مردم باید از او بپذیرند؟

آیا کسی که مسئولیت را به عهده گرفته، مجاز به انجام کار هر کاری است؟

آیا اگر کسی در دوره ای نشان داد که صلاحیت اداره امور مردم را ندارد، باز هم باید در معرض انتخاب شدن قرار گیرد؟

آیا اگر کسی از موقعیت ایجاد شده، سوء استفاده کرد، نباید مورد مواخذه و عتاب قرار بگیرد؟

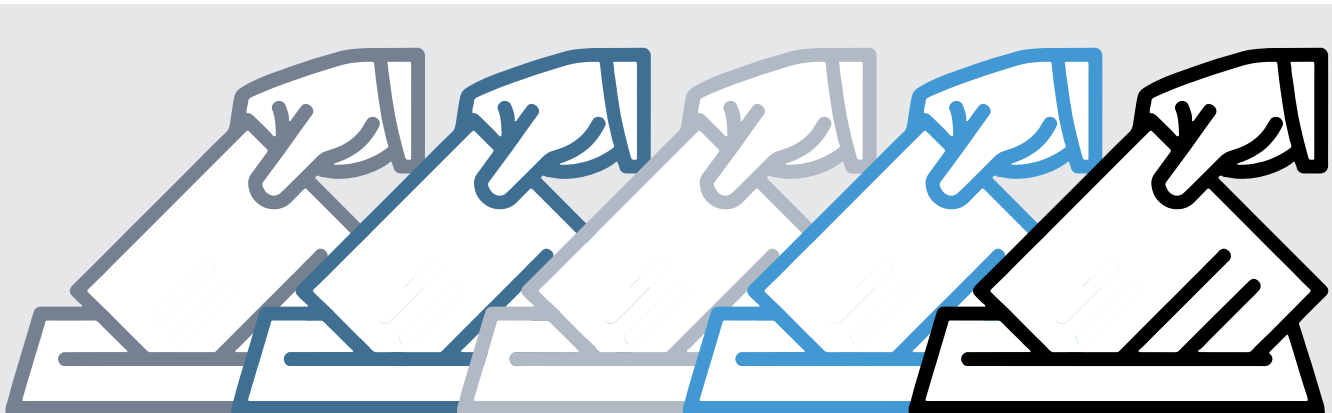
توجه به این امور، باعث می شود که برخی نتوانند در معرض انتخاب قرار بگیرند؛ حتی اگر قبلاً

انتخاب شده باشند؛ زیرا مردم انتظار دارند کسانی امور را به دست بگیرند که توانمند، صادق، دغدغه مند و پاک دست باشند.

پرده سوم

یکی از ویژگی های انتخابات سالم، نظارت دقیق و مؤثر بر انتخابات است تا کسانی که واقعاً صلاحیت دارند، در معرض انتخاب قرار گیرند و همان کسانی که مردم به آنها رای داده اند، زمام امور کشور را در دست بگیرند. نظارت شورای نگهبان برای آن است که افراد باصلاحیت و کسانی که شرایط اولیه را دارا هستند، در فرآیند رقابت حاضر شوند و مانع حضور کسانی شود که تلاش می کنند تا به مدد امکانات مادی و جاذبه های تبلیغاتی و زدوبندهای سیاسی، به کسب رای بپردازند و بر مسندی تکیه بزنند که صلاحیت آن را ندارند.

البته چنین افرادی هم بیکار ننشسته، سعی می کنند حال که حکم به نفع آنان صادر نشده، اصل نظارت یا اصل انتخابات را زیر سوال برده، مخدوش جلوه دهند؛ حتی اگر خود قبلاً از همین مسیر نظارت و انتخابات، بر مسندی تکیه زده باشند؛ اما مردم انتظار دارند...



انتخابات نمایشی؟

شبهه: حضور مردم در انتخابات ایران، نمایشی است و صرفاً جنبه تبلیغاتی در برابر غربی‌ها دارد.

پاسخ:

انتخابات در سطح دنیا، به دو دسته تقسیم شود:
الف. انتخابات آزاد

ب. انتخابات نمایشی

انتخابات آزاد، انتخاباتی است که در آن، بر اساس شرایط و فرهنگ سیاسی حاکم بر یک کشور، شرایط یک انتخابات آزاد، همچون آزاد بودن حضور سالیق سیاسی و آزادی حضور انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و... رعایت شود. در مقابل، انتخابات نمایشی، عبارت است از انتخاباتی که صرفاً ظاهری از انتخابات راداشته، رای و نظر واقعی مردم، در آن لحاظ نمی‌شود.

برخی تلاش دارند تا انتخابات در وضعیت فعلی ایران را نیز از نوع انتخابات نمایشی قلمداد نمایند؛ حال آنکه اساساً چنین اتهامی به این نظام و انتخابات آن، وارد نیست؛ زیرا تمامی اصول مردم‌سالاری و واقعی بودن انتخابات، در آن، لحاظ شده و وجود برخی محدودیت‌ها همچون محدودیت‌هایی که در هر کشور مدعی مردم‌سالاری مطرح می‌باشد، مانعی در واقعی بودن انتخابات تلقی نمی‌شود.

برای اینکه بگوییم در یک کشور، انتخابات به شکل واقعی برگزار شده، فاقد عنوان نمایشی بودن باشد، لازم است چند نکته در نظر گرفته شود:

۱. حق مردم در رای دادن

یکی از مهم‌ترین اصولی که آن را می‌توان جزء پایه‌های انقلاب اسلامی قرار داد، حق مردم در تعیین سرنوشت خود می‌باشد که از جمله نمادهای آن، مشارکت مردم در انتخابات است. این حق به عنوان یک حق معتبر، از سوی رهبران نظام، همواره مورد تأکید بوده و در قانون اساسی نیز مورد توجه قانون‌گذاران در اصل سوم و ششم بوده است.

۲. حق مردم در انتخاب شدن

بر اساس اصول مختلف قانون اساسی، هر فرد که شرایط و صلاحیت‌های لازم برای تصدی مسئولیتی را دارد، حق دارد خود را در معرض انتخاب دیگران قرار دهد و مردم با اعلام نظر خود در انتخابات، از میان افرادی که صلاحیت لازم را دارا هستند، فرد اصلح را انتخاب کنند. البته برخی تلاش می‌کنند تا مشروط بودن افراد به داشتن شرایط خاص را مغایر با انتخابات واقعی تلقی نمایند؛ حال آنکه این موضوع، یک اصل عقلی بوده، در هر جامعه‌ای، برای تصدی مسئولیت‌های مختلف، یک سری شرایط در نظر گرفته می‌شود.

۳. برگزاری انتخابات سالم

یکی از عواملی که باعث می‌شود انتخابات یک کشور، از حالت نمایشی بودن خارج شود، نظارت دقیق و مؤثر بر انتخابات به منظور برگزاری انتخاباتی سالم و واقعی می‌باشد تا به این ترتیب، کسانی که واقعاً مردم به آنها رای داده‌اند، بتوانند زمام امور کشور را در دست بگیرند. در هر کشور، به منظور تحقق چنین امری، ساز و کاری پیش‌بینی شده و در کشور ما نیز شورای نگهبان قانون اساسی (غیر از انتخابات شوراهای) به همراه ابزارهای نظارتی دیگر، زمینه‌ساز چنین امری شده است. البته ممکن است برخی وجود نظارت شورای نگهبان را باعث فرمایشی شدن انتخابات عنوان نمایند؛ در حالی که با اندکی تأمل در برخی شواهد، می‌توان نتیجه گرفت که اساساً چنین شائبه‌ای نباید مطرح شود و یا در صورت مطرح شدن، قابل رفع می‌باشد؛ زیرا به لحاظ نظری، نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، زمینه‌ساز انتخاباتی است که در آن، صرفاً افراد باصلاحیت و کسانی که شرایط اولیه را دارا هستند، در فرآیند رقابت، حاضر شده، کسانی که صرفاً تلاش می‌کنند تا به مدد پول و امکانات و جاذبه‌های تبلیغاتی به کسب رای بپردازند، نتوانند به سوءاستفاده از فضا پرداخته، بر مسندی تکیه بزنند که صلاحیت آن را ندارند. به لحاظ عملی نیز

از تجلی حضور مردم در انتخابات‌های مختلف، می‌توان دریافت که حضور شورای نگهبان و نظارت هر چه دقیق‌تر، نه تنها مانعی در جهت مشارکت مردم نمی‌باشد، بلکه عاملی در جهت حضور هر چه بیشتر مردم می‌باشد.

نکته دیگر اینکه فرآیند نظارت در جمهوری اسلامی، به گونه‌ای است که شائبه هرگونه تخلف گسترده و تقلبی را از میان می‌برد و باعث جلب اعتماد مردم به نتایج انتخابات می‌گردد؛ زیرا حداقل سه گروه در انتخابات جمهوری اسلامی ایران، بر آن نظارت می‌کنند که عبارتند از:

الف. شورای نگهبان و هیات‌های نظارت بر انتخابات

ب. هیئت‌های اجرایی به همراه مجریان

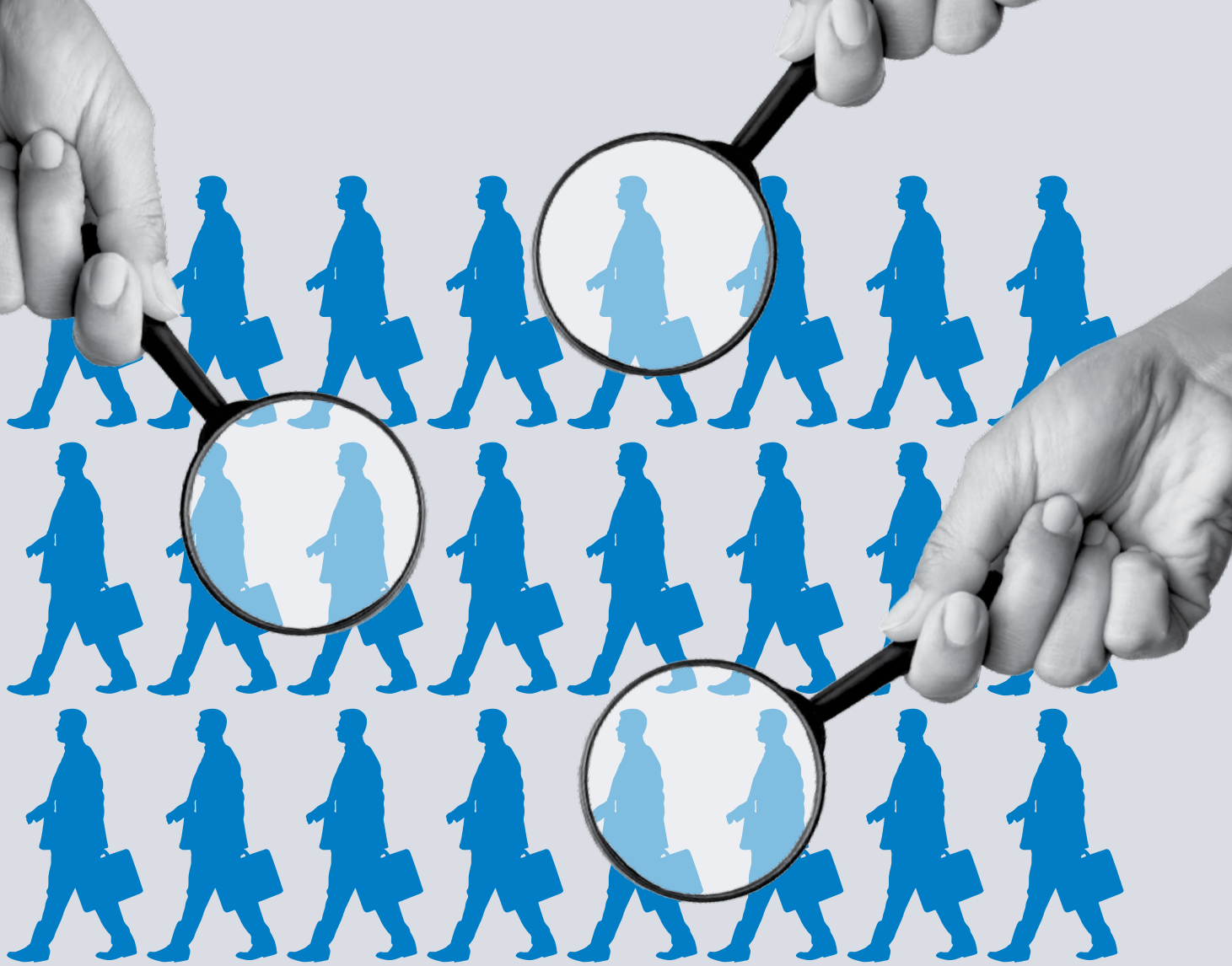
ج. ناظران کاندیداها

۴. حضور سالیق سیاسی مختلف در عرصه انتخابات

یکی از دلایل واقعی بودن انتخابات در کشورها، این است که سالیق سیاسی مختلف در انتخابات، حق حضور و مشارکت فعال دارند. در جمهوری اسلامی ایران هم از حضور همه سالیق سیاسی در عرصه انتخابات، استقبال می‌شود.

۵. تغییر نخبگان و سالیق سیاسی مختلف

یکی دیگر از شواهد عدم نمایشی بودن انتخابات، این است که سالیق سیاسی مختلف، علاوه بر حضور در انتخابات، امکان انتخاب شدن هم داشته باشند و در طول زمان، زمام امور را به دست گیرند؛ به گونه‌ای که به صورت متوالی، اکثریت به اقلیت و اقلیت به اکثریت تبدیل شود و یا افراد و جریانات خارج از اقلیت و اکثریت، امکان حضور در رقابت‌ها را پیدا کنند و حتی بتوانند به بالاترین مناصب رسمی کشور، دست پیدا کنند که چنین امری در کشور ما، بارها اتفاق افتاده است.



نظارت، مخالف حق انتخاب مردم؟!

پرسش: آیا نظارت شورای نگهبان، مخالف حق مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن نیست؟

پاسخ:

۱. اگر نظارت در اصل ۹۹ قانون اساسی، مخالف حق بزرگ مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن است، پس باید نظارت در سایر اصول قانون اساسی نیز مخالف حق مردم باشد؛ در حالی که نظارت، نه تنها مخالف حق مردم در انتخاب شدن و انتخاب کردن نیست، بلکه اساساً در راستای تأمین حقوق مردم است. مردم با اراده خویش، به جمهوری اسلامی و قانون اساسی، رأی

دادند تا جمهوریت و اسلامیت نظام، خدشه نبینند. به عبارت دیگر، مردم خواهان انتخاب شدن و انتخاب کردن

در چارچوب موازین اسلامی و قوانین مندرج در قانون اساسی هستند و نبود نظارت، مغایر تأمین حقوق مردم خواهد بود.

۲. همان گونه که «انتخاب شدن و انتخاب کردن» به عنوان یک حق در قانون اساسی مندرج است، «نظارت» نیز بارها در قانون اساسی مطرح شده است و به همین دلیل، همان گونه که اصل انتخاب شدن و انتخاب کردن، باید مورد توجه قرار گیرد، اصل دیگر همین قانون، تحت عنوان «نظارت» نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۳. اگر بنا باشد به بهانه حق «انتخاب شدن و انتخاب کردن»، صلاحیت داوطلبان، مورد بررسی قرار نگیرد، ذکر اوصاف و شرایط خاص برای نامزدها، لغو و بیهوده خواهد بود. در هر حال، اصل وجود

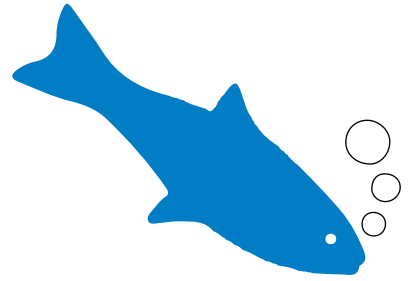
امروزه حتی در کشورهای مدعی دموکراسی، شرایط ویژه‌ای برای انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان (در فرآیندهای انتخاباتی) در نظر گرفته می‌شود و قانون نیز مرجعی رسمی را برای اعمال نظارت و احراز شرایط داوطلبان انتخابات، تعیین می‌کند. این مرجع رسمی، عهده‌دار بررسی وضعیت و روند انجام انتخابات و وجود یا عدم وجود شرایط لازم در داوطلبان می‌باشد

قانون در جامعه، محدودیت‌هایی را به همراه دارد. کسانی که فاقد شرایط لازم باشند، از انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم می‌شوند.

۴. در تمامی کشورهای جهان و نزد تمامی عقلا عالم، برای تصدی مسئولیت‌های مهم، یک سری شرایط ویژه در نظر گرفته می‌شود تا هم وظایف و اگذار شده به فرد مورد نظر، به درستی انجام پذیرد و هم حقوق و مصالح شهروندان در اثر بی‌کفایتی و نالایق بودن مسئول برگزیده، پایمال نگردد. از این رو، امروزه حتی در کشورهای مدعی دموکراسی، شرایط ویژه‌ای برای انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان (در فرآیندهای انتخاباتی) در نظر گرفته می‌شود و قانون نیز مرجعی رسمی را برای اعمال نظارت و احراز شرایط داوطلبان انتخابات، تعیین می‌کند. این مرجع رسمی، عهده‌دار بررسی وضعیت و روند انجام انتخابات و وجود یا عدم وجود شرایط لازم در داوطلبان می‌باشد.^۱

پی‌نوشت

۱. محمد تقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۳، ص ۷۶.



معرفی کتاب

شایعات رایج فضای مجازی (شایعات سیاسی)

نویسنده: دکتر الهه خانی آرانی
ناشر: دفتر نشر معارف

فضای مجازی و خصوصاً پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به بخش لازم و گریزناپذیر زندگی بسیاری از مردم تبدیل شده است. ارتباط‌گیری آسان و ارزان، اطلاع از اخبار و مسائل روز، استفاده از صفحات کاربردی و مهارت‌افزا، سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت، بخشی از کارکردهای این فضا است. اما کاربرد محوری این فضا سبب شده هر فرد یا گروهی، با هر عقیده و هدفی، به راحتی

بتواند تنها با ایجاد یک اکانت و صفحه و کانال، به تبلیغ فکر و عقیده و نگرش خاصی بپردازد. مثبت یا منفی؛ صحیح یا انحرافی؛ مفید یا مخرب. از این رو می‌بینیم صفحات گسترده مروج الحاد، براندازی سیاسی، جعل تاریخ، سبک زندگی غیراخلاقی و... به راحتی فعالیت دارند، با تبلیغات گسترده و خوش‌رنگ‌و‌آب، دنبال‌کننده‌های زیادی می‌گیرند، و آرام‌آرام بر ذهن‌ها تأثیر می‌گذارند یا در بزنگاه‌ها به ایجاد موج‌های سیاسی و فرهنگی می‌پردازند.

مطالب این کتاب، حاصل ۵ سال تلاش گروهی از اساتید دانشگاه در صفحات روشنگری جهت پاسخگویی به شایعات و شبهات رایج فضای مجازی است. شایعاتی که انتشار و تکرر بیشتری داشته و فضای مجازی را درگیر خود کرده‌اند.

این شبهات و شایعات در سه دسته کلی شبهات و شایعات اعتقادی، تاریخی و سیاسی قابل تقسیم و تفکیک هستند. هر سه این دسته‌ها نیز خود شامل چندین عنوان عمده هستند که از پراکندگی درآیند و دارای نظم و جایگاه منطقی باشند.

جلد حاضر (شایعات سیاسی) شامل ۴ بخش کلی است:

۱. شایعات عصر پهلوی (رضاشاه و



محمد رضاشاه)
۲. شایعات عصر جمهوری اسلامی: اصل انقلاب اسلامی، ولایت فقیه، شورای نگهبان، جنگ تحمیلی و...
۳. شایعات مربوط به جبهه مقاومت (فلسطین و...)
۴. شایعات مربوط به شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی
در ادامه، پاسخ به یکی از شایعات مربوط به انتخابات را

از این کتاب با هم می‌خوانیم.

انتخابات آزاد در جهان

شایعه: در سایر کشورها، بر خلاف ایران، انتخابات آزاد است و هر فردی حق دارد با هر عقیده‌ای نامزد انتخابات شود.

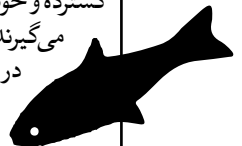
پاسخ: این ادعا درست نیست و هر کشوری، خطوط قرمز و شرایطی برای کاندیداتوری دارد. در کشور لیبرال دموکراسی آمریکا، حزب کمونیست، بیش از ۵۰ سال است که عملاً اجازه فعالیت سیاسی ندارد. به علاوه آمریکایی‌ها با ساز و کارهایی مثل قرار دادن گروه‌های منتقد و مخالف خود در جهان، تحت عناوینی مثل لیست گروه‌های تروریستی، افراد و شرکت‌هایی را که به حمایت یا ارتباط با آنها بپردازند، بازداشت، استرداد و زندانی می‌کنند. به عنوان مثال، بعضی از این گروه‌ها عبارتند از: سپاه پاسداران ایران، حزب الله لبنان، حماس، جبهه مردمی آزادی فلسطین و...
هرگونه حمایت لفظی یا عملی از این گروه‌ها، نه تنها در قالب احزاب و مسئولیت‌های حکومتی رسانه‌ها و... ممنوع است، بلکه با بازداشت، عزل از شغل، زندانی شدن و انواع مجازات‌ها روبه‌روست. به دلیل همین دیکتاتوری آهنین و انتخابات غیرآزاد است که تا کنون،

هیچ سیاست‌مدار مخالف نظام سرمایه‌داری و صهیونیسم، نتوانسته به کاخ سفید راه یابد.

محدودیت رای دهندگان: بر خلاف ایران که تبعه ایران، با هر فکر و عقیده و جایگاهی، حتی در خارج از ایران آزاد است رای دهد، در برخی کشورهای مدعی دموکراسی و آزادی، حتی برای رای دهندگان، محدودیت وجود دارد. در انتخابات آمریکا، حداقل ارزش‌های دموکراتیک، رعایت نمی‌شود. حدود ۲۵ درصد افراد حائز شرایط رای دهی، در فهرست‌های رای دهندگان گنجانده نشده‌اند. مثلاً زندانیان آمریکایی، به صورت عملی، حق رای دادن ندارند و ۱۰ میلیون آمریکایی ساکن خارج از این کشور هم نمی‌توانند رای بدهند. در بریتانیا، زندانی‌ها و تبعه ساکن خارج، حق رای دادن در انتخابات سراسری ندارند.

انتخابات اجباری: در ۲۲ کشور جهان، از جمله بعضی کشورهای لیبرال دموکرات غربی، انتخابات اجباری است و یا رای ندادن، جریمه دارد. در استرالیا، بلژیک، یونان، آرژانتین، برزیل، سنگاپور، تایلند و... کسانی که رأی ندهند، جریمه می‌شوند. در ایتالیا بر روی شناسنامه کسانی که رأی ندهند، مهر «رأی نداده» می‌زنند که گاهی مشکلاتی برای استخدام دولتی آنها و یا بهره‌برداری از مزایای دولتی ایجاد می‌کند.

نکته آخر این که شاید برخی به دلیل آزادی‌های فردی (در سطح فرد)، چنین گمان می‌کنند که در غرب، آزادی وجود دارد. آری، اساس آزادی در غرب، این است که چندان مخالفت اشخاص و انفرادی نمی‌شود؛ اما وقتی موضوع به یک جریان تبدیل شود، سرکوب و پوشش رسانه‌ای منفی رسانه‌های مسلط علیه آن صورت می‌گیرد. رسانه‌های مسلطی (Main Stream) که ظاهراً متنوع و متکثر هستند؛ اما در حقیقت، یک صدا هستند و همگی ذیل خطوط قرمز نظام سرمایه‌داری قرار دارند.





جوان هم ح ق رای دارد

سؤال: آیا این درست است که در جامعه ما، رای جوانانی که از سیاست و قانون، اطلاعات کمی دارند، با یک محقق و قانون دان و فرد باتجربه، در انتخابات یکسان باشد؟

در مورد گستره انتخابات و رأی در نظام های مختلف، آراء گوناگونی مطرح است؛ اما امروزه مشروح ترین نوع انتخابات، آن است که همگانی باشد؛ یعنی همه شهروندان، صرف نظر از جنس (مرد یا زن)، نژاد، کیش و مذهب، حق شرکت در انتخابات را داشته باشند. همگانی شدن

انتخابات، از حقوقی است که آسان به دست نیامده است. زمانی بوده که فقط دارندگان ثروت، به ویژه ملاکان، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن داشتند و بانوان، از حق رأی محروم بودند؛ ولی در دموکراسی های معاصر، حق رأی مبتنی بر وضع اجتماعی طبقات خاص نیست و دموکراتیک^۲ بودن انتخابات، ایجاب می کند که همه افراد کشور، به طور برابر از حق رأی و

انتخاب کردن، بهره مند باشند؛ مگر آنکه مصلحت اجتماع، خلاف آن را ایجاب کند. مانند محکومیت های جزائی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی می شود. رأی نابرابر که پیشتر در برخی از کشورها متداول بوده، امروزه ملغی شده و این محدودیت ها، مغایر با اصل تساوی حقوق افراد، تلقی شده است.

حال می خواهیم بدانیم آیا رأی افراد کم اطلاع از قانون و سیاست، با افراد آگاه و باتجربه و به طور کلی رأی جاهل با عالم، در انتخاب حاکمان، یکسان است یا خیر؟ برای این منظور، ابتدا باید حق حاکمیت و مبنای حقوقی آن را در نظام جمهوری

اسلامی ایران، تحلیل کنیم.

طبق اصل ۵۶ قانون اساسی، «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان، از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش، حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت، این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می آید، اعمال می کند.»

بنابراین، حق حاکمیت، موهبتی الهی است که به ملت، واگذار شده و مردم برای اعمال این حاکمیت، رأی می دهند؛

زیرا نمی توان حاکمیت را در آسمان رها کرد. باید این نیروهای الهی به زمین برسد و در جهان خاکی، به کار افتد و به صورت خارجی و بر حسب زمان و مکان، نمود پیدا کند و این صورت خارجی حاکمیت، ساخته اراده ملت ها و یک کار بشری است و قهراً نقیصه های کار انسانی را دارد و نباید آن را کامل و همیشگی پنداشت.

با این توضیح، رأی دادن و انتخاب حاکمان، برای اداره جامعه و اجرای حاکمیتی است که خداوند به انسان عطا کرده و اراده مردم در چارچوب اوامر الهی، محترم است.^۳ «اراده انسان ها و دولتی که بر مبنای آن، زمام امور را به دست می گیرد، حق ندارد از نوامیس الهی و قوانین فطری، تخلف کند؛^۴ زیرا مردم و به تبع آن، دولت، حاکمیت خود را به عنوان امانت، از خدا می گیرند و به این ترتیب، رأی دادن و هر شیوه دیگر اعمال حاکمیت که مخالف با حاکمیت الهی و هدف ها و مصلحت هایی که او تعیین کرده، باشد، مشروعیت نخواهد داشت. در مورد ارزش رأی افراد کم اطلاع یا بی اطلاع، اگر

در مورد ارزش رأی افراد کم اطلاع یا بی اطلاع، اگر بی اطلاعی این افراد، طوری باشد که رأیشان مخالف حاکمیت الهی (به طور کلی) باشد، فاقد ارزش است؛ علاوه بر این، نباید از نظر دور داشت که آراء گوناگونی که در تصمیم ها و اعمال سیاسی، مؤثر هستند، تنها به شمار افراد نیست و نفوذ آگاهان جامعه، هیچ تناسبی با تعداد اندک آنان ندارد

بی اطلاعی این افراد، طوری باشد که رأیشان مخالف حاکمیت الهی (به طور کلی) باشد، فاقد ارزش است؛ چنانچه اصل ۴ قانون اساسی می گوید: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها، باید بر اساس موازین اسلامی باشد» و اصل ۲۰ مقرر می دارد: «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی و... با رعایت موازین اسلام، برخوردارند.»

علاوه بر این، نباید از نظر دور داشت که آراء گوناگونی که در تصمیم ها و اعمال سیاسی، مؤثر هستند، تنها به شمار افراد نیست. نفوذ آگاهان جامعه، هیچ تناسبی با تعداد اندک آنان ندارد. این اشخاص، از حقایق باخبرند و دلایل وقوع حوادث را می دانند؛ در طرح مسائل، ورزیده اند؛ اثر شگرف و به درجات، بیش از اشخاص دیگر بر جامعه دارند.^۵ از باب تشبیه، در اسلام هنگامی که یک نوجوان به سن بلوغ می رسد، همان تکالیفی را دارد که یک مسلمان پخته هشتاد ساله دارد و ویژگی های شخصیتی و علمی سیاسی، در این امر دخالت ندارد. به علاوه میزان اطلاع و شایستگی های افراد، بسیار متفاوت است و قابل اندازه گیری و دخالت دادن در مقدار تاثیر آرا نیست.

پی نوشت:

۱. جعفر بوشهری، مسائل حقوقی اساسی، ص ۷۷.
۲. منوچهر طباطبایی مؤتمنی، حقوق اساسی، ص ۱۴۹.
۳. ر.ک: ناصر کاتوزیان، مبنای حقوق عمومی، ص ۲۱۲ به بعد.
۴. همان، ص ۲۱۴.
۵. مسائل حقوقی سیاسی، ص ۱۱۹.



نمی توان بی تفاوت بود

حفظ و تقویت امنیت و اقتدار کشور

برای امنیت امروز کشور، مجاهدت‌ها، تلاش‌ها و ایثارهای فراوانی شده و جوان‌های عزیزی، جان خود را فدا کرده‌اند که نمی‌توان به سادگی آن را نادیده گرفت و نسبت به آن، بی‌تفاوت بود. اگر آن عزیزان، با ایثار خود، امنیت کشور را حفظ کردند، پاس داشت و قدردانی از این ایثار و مجاهدت، ایجاب می‌کند که ما نیز سهم خود را نسبت به امنیت کشور، ادا کنیم که یکی از جلوه‌های آن، حضور و مشارکت در انتخابات است که نماد اقتدار ملی و تقویت کشور است.

از نتایج حضور و مشارکت مردم در انتخابات و بالا رفتن جنبه مقبولیت نظام، این است که دشمنان را مأیوس نموده، از حجم توطئه‌های آنان می‌کاهد و انگیزه و جرأت پیگیری دشمنی را از آنها خواهد گرفت. انتخابات، مظهر قدرت یک کشور است و کشوری که از این پشتوانه برخوردار باشد، در عرصه بین‌المللی، به عنوان کشوری قدرتمند، شناخته می‌شود و این مسئله در معادلات سایر کشورها با آن، تأثیرگذار خواهد بود.

همچنین اگر به دنبال رشد و رونق اقتصادی باشیم، باید بدانیم که رونق اقتصادی در هر کشوری، به مؤلفه‌های مختلفی بستگی دارد که در رأس آنها امنیت است؛ زیرا در پرتو امنیت، بستر و زمینه رشد اقتصادی، فراهم خواهد شد و امکان سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های لازم ایجاد می‌شود. از این جهت، انتخابات در مسائل مختلف کشور تأثیرگذار است.

انتخابات، زمینه‌ساز تحول و تغییرات مثبت در اداره کشور

برخی می‌گویند: هر کسی که روی کار بیاید، تفاوتی نخواهد داشت و تغییری در روند کشور و وضعیت ما ایجاد نمی‌شود. سؤال اینجاست: آیا در همه دوره‌های انتخابات، مردم بهترین‌ها را انتخاب کرده‌اند و نتیجه‌ای به دست نیآورده‌اند که نسبت به انتخابات، مأیوس شوند یا آنکه تحت تأثیر برخی عوامل وعده و وعیدها و به هر دلیل، افرادی را برگزیده‌اند که از توانمندی لازم برای انجام این مسئولیت سنگین، برخوردار نبوده‌اند. مردم نمی‌توانند نسبت به مبارزه با فساد و حل مشکلات کشور و پیشرفت اقتصادی و... دغدغه و مطالبه داشته باشند؛ اما در هنگام انتخابات، معیارهای دیگری را در نظر بگیرند و یا افرادی را انتخاب کنند که یا چنین دغدغه‌هایی در آنها جدی نیست و یا برنامه عملی مشخصی برای تحقق وعده‌های خود نداشته باشند. مردم باید بدانند که راه نجات و رفع مشکلات کشور، از مسیر حضور در انتخابات می‌گذرد و با شرکت نکردن، هیچ مشکلی حل نمی‌شود.

بهترین راهکار، این است که با مشارکت فعالانه، از یک سو و انتخاب ناشی از بصیرت و آگاهی و نه از روی احساسات و علایق حزبی و وابستگی جناحی، از سوی دیگر، بهترین گزینه‌ها انتخاب شوند. پس اگر خواهان تغییر در وضعیت کشور و حل مشکلات هستیم، باید به نقش خود عمل کنیم و بعد مطالبه‌گری داشته باشیم.

□ علی مجتبی زاده



انتخابات، نشانه اهمیت دادن به سرنوشت کشور و حق مشارکت در اداره کشور و مظهر مردم سالاری است. اهمیت دادن نسبت به سرنوشت کشور و دفاع از حق مشارکت خود و حل مشکلات، ایجاب می‌کند که در انتخابات شرکت کنیم. نمی‌توان مدعی علاقه به کشور و وطن بود، اما نسبت به آینده آن، بی‌تفاوت بود. اگر ما خود برای حق خودمان، احترام و اهمیت قائل نشویم و نسبت به آن کوتاهی کنیم، چطور انتظار داریم که دیگران به حقوق ما اهمیت بدهند؟ اگر امروز در انتخابات حضور پیدا نکنیم، آیا می‌توانیم فردا از حقوق خود دفاع کنیم؟ به ما نخواهند گفت اگر آینده و سرنوشت کشور و حقتان برای شما اهمیت داشت، چرا از این حق در زمان لازم و در راستای تغییر و تحول، استفاده نکردید؟

شرکت در انتخابات، تنها یک وظیفه و تکلیف اجتماعی نیست؛ بلکه یک حق است و ویژگی هر حقی، این است که صاحب حق، باید از آن دفاع کرده، در پی احقاقی و استیفای آن باشد. حضور و مشارکت در انتخابات، گامی در راستای مطالبه و دفاع از حق مسلمی است که هر ایرانی، فارغ از هر دین و اعتقادی، حتی اگر تعلق خاطر به نظام نداشته باشد، نسبت به سرنوشت کشور، داراست. بنابراین، کسی که برای کشور و آینده آن اهمیت قائل است، نمی‌تواند نسبت به انتخابات، بی‌تفاوت باشد.

نقش آفرینی در تحولات و حل مشکلات کشور

اگر کسی از وضعیت کنونی، ناراحت و خواهان تغییر و تحول در آن است، باید بداند که با شرکت نکردن در انتخابات، مشکلی حل نخواهد شد. چه ما در انتخابات شرکت کنیم و چه نکنیم، چه با مشارکت بالا و چه پایین، انتخابات برگزار خواهد شد و رأی و تصمیم و نظرشان به صورت مستقیم و غیرمستقیم، تک تک افراد جامعه را تحت تأثیر خویش قرار خواهد داد. اگر ما برای خود تصمیم نگیریم، دیگران برای ما تصمیم خواهند گرفت. از این رو، بهترین راهکار، این است که با مشارکت فعالانه، از یک سو و انتخاب ناشی از بصیرت و آگاهی و نه از روی احساسات و علایق حزبی و وابستگی جناحی، از سوی دیگر، بهترین گزینه‌ها انتخاب شوند. پس اگر خواهان تغییر در وضعیت کشور و حل مشکلات هستیم، باید به نقش خود عمل کنیم و بعد مطالبه‌گری داشته باشیم.





این مردم خوب...

که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله ﷺ و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی می باشند... امروز می بینیم که ملت ایران... در جبهه ها و مردم پشت جبهه ها، با کمال شوق و اشتیاق، چه فداکاری ها می کنند و چه حماسه ها می آفرینند... و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان؛ در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم هستند و نه در محضر امام معصوم و انگیزه آنان، ایمان و اطمینان به غیب است... و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می باشیم»^۴.

این است که رهبر معظم انقلاب، با اعتماد به وعده الهی، در مورد این مردم می فرماید: «می دانم خداوند اراده کرده این ملت را به عالی ترین درجات برساند که به فضل الهی، چنین خواهد شد»^۵.

پی نوشت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۲۶ دی ۱۴۰۲.
۲. این روایت با هر سه عنوان «الایمان» و «الدین» و «العلم»، در منابع روایی شیعه و سنی آمده است. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۹۵.
۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.
۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۱-۴۱۰.
۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۹۶.

«مردم ما مردم خیلی خوبی اند؛ مردم ما مؤمنند... مردم وفاداری اند... شما ببینید ما در این چهل و چند سال، چقدر در این کشور مسئله داشتیم؛ چقدر علیه ما توطئه شده؛ چقدر از اطراف به ما تهاجم های گوناگون تبلیغاتی و عملی و نظامی و اقتصادی و امثال اینها شده؛ چه کسی از نظام اسلامی دفاع کرده؟ همین مردم... این مردم مؤمن، این مردم علاقه مند، این مردم وفادار، این مردم هوشمند. خب قدر اینها را باید دانست. باید آنها را به معنای واقعی کلمه دوست داشت. مردم در فداکاری برای اسلام، در فداکاری برای کشور، در فداکاری برای نظام اسلامی، کم نگذاشته اند؛ هر آنچه باید و می شد انجام داد، انجام داده اند»^۱.

تمجید و تحسین رهبر انقلاب از پایداری و فداکاری بی نظیر مردم ایران در راه حفظ و دفاع جانانه از اسلام ناب و ارزش های اسلامی، در عصری که نظام سلطه و تفکر سکولار، کمر به مقابله با دین و ارزش های دینی بسته و تمامی تلاش خود را در قالب جنگ سخت و نرم، به کار گرفته، شهادی است بر این که ملت ایران، شایسته مدال های افتخاری است که از پیشوایان معصوم خود دریافت کرده است. اگر پیامبر اکرم، دست به شانه سلمان فارسی زد و فرمود: «اگر ایمان در نزد ستاره ثریا باشد، همانان مردانی از تبار این (سلمان) به آن دست خواهند یافت»^۲ و آنان را زمینه ساز ظهور معرفی نموده و فرمود: «گروهی از ناحیه مشرق، قد برمی افرازند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می سازند»^۳.
با همین ایمان و شناخت بود که امام خمینی فرمود: «من با جرأت مدعی هستم



پرسش‌های کوتاه انتخاباتی

○ شرکت کردن در انتخابات چه اثری دارد؟

کسی که برای کشور و آینده آن، اهمیت قائل است، نمی‌تواند نسبت به انتخابات، بی‌تفاوت باشد. مگر نه اینکه ما باید خود برای آینده کشور تصمیم بگیریم؟ آیا خواهیم پذیرفت که دیگران برای ما تصمیم‌گیری کنند یا سرنوشت کشور را به دیگران بسپاریم؟ با شرکت نکردن در انتخابات، تغییر مثبتی به نفع کشور و مردم، رخ نخواهد داد. راه نجات و رفع مشکلات کشور، از مسیر حضور در انتخابات می‌گذرد.

○ انتخابات، تغییری در زندگی ما ایجاد نمی‌کند!

برخی درصدد القای این مطلب هستند که انتخابات، موجب تغییری در زندگی ما نخواهد شد. وقتی گفتار و رفتار یک سلبریتی یا هنرپیشه سینما، در عرصه فرهنگ و هنر و حتی میان مردم عادی، تاثیرگذار است، چگونه تصمیم و اقدام یک نماینده مجلس، در این حوزه‌ها تاثیری نخواهد داشت؟ آیا تفاوتی میان حضور یک فرد توانمند با روحیه انقلابی و جهادی، در بالاترین مسئولیت قانون‌گذاری کشور با حضور یک فرد ضعیف و ناکارآمد نیست؟

○ رأی نمی‌دهیم؛ چون از قبلی‌ها خیری ندیدیم!

برخی می‌گویند رأی نمی‌دهیم؛ چون از قبلی‌ها خیری ندیدیم! اینکه خیری از افراد قبل ندیدیم، به طور کلی صحیح نیست؛ زیرا به هر حال، عملکرد مجلس‌ها، مجموعه‌ای از اقدامات مثبت و منفی بوده است. بر فرض که بپذیریم از مجلس‌های قبل، خیری ندیده باشیم؛ اما در نتیجه تصمیمات ضعیف و نادرست آنها که دچار مشکلاتی شده‌ایم و باید این روند را با حضور در انتخابات و انتخاب افراد اصلح، تغییر بدهیم.

○ چرا رأی سفید در انتخابات کافی نیست؟

زیرا علاوه بر شرکت در انتخابات، انتخاب اصلح و بهترین گزینه نیز لازم است. گرچه اصل حضور در انتخابات، مهم است؛ اما با رأی سفید انداختن، تکلیف و وظیفه اجتماعی، ساقط

نمی‌شود. همان‌گونه که در هنگام مراجعه به یک پزشک متخصص، از میان چندین پزشک، سعی می‌کنیم بهترین و ماهرترین پزشک را پیدا کنیم، در انتخابات هم باید از میان افراد دارای صلاحیت، بهترین و توانمندترین فرد را انتخاب کنیم.

○ رأی نمی‌دهیم تا صدای ما شنیده شود!

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که صدای معترضان خاموش، شنیده نمی‌شود. انتخابات بسیاری در طول تاریخ و در کشورهای گوناگون، وجود دارد که در آنها بیشتر مردم رأی نداده‌اند. معروف‌ترین مثال، انتخابات سال ۱۹۹۶ آمریکا است. در انتخابات آن سال، نزدیک به ۴۹ درصد از واجدان شرایط، در انتخابات شرکت کردند و ۴۹.۲ درصد از آنها به بیل کلینتون رأی دادند. به عبارت دیگر، تنها ۲۴ درصد از واجدان شرایط، رئیس‌جمهور آمریکا را انتخاب کردند. آیا فریاد سکوت مردمی که رأی ندادند، شنیده شد؟ آیا رأی مخالف ۷۶ درصد جمعیت آمریکا، از ورود کلینتون به کاخ سفید، جلوگیری کرد؟ حتی یک نمونه از یک کشور، در یک دوره نیز وجود ندارد که رأی ندادن، بر یک چیز، تأثیری مثبت گذاشته باشد.

○ انتخابات در کشور ما مهندسی شده است!

چنانچه شورای نگهبان، با ملاحظه برخی مصلحت‌ها، از جمله ایجاد شور انتخاباتی و در نظر گرفتن وجهه برخی افراد و گروه‌های سیاسی و... نسبت به احراز صلاحیت آنها اقدام می‌کند، فرض مهندسی انتخابات، جا داشت؛ اما با توجه به اینکه شورای نگهبان، بر اساس مَرّ قانون،

به بررسی صلاحیت‌ها پرداخته و مستندات و مدارک قطعی را در نظر می‌گیرد، جایی برای تصور مهندسی انتخابات، وجود ندارد. کسانی که به برخی رد صلاحیت‌ها از سوی این شورا خرده می‌گیرند، گرفتار تناقض هستند که از طرفی، شورای نگهبان را به مهندسی انتخابات، متهم می‌کنند و از سوی دیگر، توقع دارند تا شورای نگهبان، با چشم‌پوشی نسبت به بعضی از افراد و انجام برخی مصلحت‌سنجی‌ها، انتخابات را مهندسی کند.

○ تنوع نامزدها، مشارکت را افزایش می‌دهد؟

اصل تنوع نامزدها در انتخابات، در جای خود پذیرفته است؛ اما تنوع نامزدها، به معنای نادیده گرفتن صلاحیت‌ها و شرایط، نبوده و منطقی نیست که به بهانه افزایش مشارکت، افراد فاقد صلاحیت را در میدان انتخابات، وارد نمود. آیا تنوع نامزدها، تنها با حضور افراد فاقد صلاحیت به دست می‌آید؟ آیا در میان افراد با صلاحیت و واجد شرایط، تنوع نامزد وجود ندارد؟

○ چگونه انتخابات، آزاد است؛ در حالی که مانع شرکت مخالفان می‌شوید؟

آزادی انتخابات، به معنای حضور افراد فاقد صلاحیت و شرایط در مسئولیت‌ها نیست. احراز صلاحیتی که توسط شورای نگهبان در مورد افراد صورت می‌گیرد، چیزی جز احراز پابندی به اصول و مبانی نظام و قانون اساسی در افراد نیست و احراز شرایط مندرج در قانون و پابندی به اصول نظام و قانون اساسی، از مواردی است که در نظام‌های سیاسی همه کشورها، این میزان از نظارت و احراز صلاحیت، مورد قبول بوده و انجام می‌شود.



ماهنامه و نشر پویان مطالعاتی
دانش جوان و طلاب جوان
شماره بیست و یک / اسفند ۱۴۰۲

شبهت
ماهنامه و نشر پویان مطالعاتی

ماهنامه و نشر پویان مطالعاتی دانش جوان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)
شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۲۱

www.Shobhe.pasokh.org
@shobahat_mag

pasokh.org | spasokh.com
wikipasokh.com
pasokh.tv | shobhepajouhi.ir

